



General Economic Order and Powers of the Prosecutor; Emphasizing the Institution of Administration, Realizing Transparency and Managing Conflicts of Interest

Vahideh Rahmani¹, Reza Tajarlou^{*2}, Kheirollah Parvin³

1. Ph.D Student of Public Law, University of Tehran (Alborz Campus), Karaj, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran. (Corresponding Author)

3. Professor, Department of Public Law, University of Tehran, Tehran, Iran.

ARTICLE INFORMATION

Type of Article:

Original Research

Pages: 223-234

Corresponding Author's Info

ORCID: 0000-0003-2264-0343

TELL: +00000000000

Email: rtajarlou@ut.ac.ir

Article history:

Received: 24 Sep 2023

Revised: 21 Dec 2023

Accepted: 03 Feb 2024

Published online: 20 Mar 2024

Keywords:

*Powers of the Prosecutor;
General Economic Order;
Administrative Actions;
Transparency; Conflict of
Interest Management;
Corruption.*

ABSTRACT

Judiciary is the main front for ensuring the general economic order and the prosecutor's office, centered on the prosecutor, is the head of this front. By using his power, competences and legal facilities, the prosecutor can guarantee the general economic order in the protection of this type of order at the level of the society and the country. Meanwhile, due to the important position of administrative actions, free circulation of information and conflict of interests in the category of crimes and economic violations, the prosecutor's powers, especially the prosecutor's preventive powers, are significant and fundamental in the mentioned scopes. With the knowledge of his pursuit in an issue such as corruption as a continuously innovative and up-to-date matter, the legislator has always expanded it in his legal texts and comprehensive powers in macro-level scopes such as monitoring the society or administration or in the field such as pursuing the realization of governance transparency and conflict of interest management. Therefore, the systematic procrastination of the prosecutor's office in applying this type of legitimate authority is clearly evident. To this end, the present study is based on using the analytical-inferential method, using the library method and through the means of scanning the legal capabilities of the prosecutor's office according to the legal authority of the prosecutor in order to fulfill the general economic order and the amount of transparency is followed by the area of free flow of information and the role of the prosecutor in protecting this vital matter and the conflict of interest in his management are analyzed to the level of public supervision and accountability of this judicial manager and "how" to fulfill his duties and exercise his powers is determined. This study has operational and executive applications in related scopes.



This is an open access article under the CC BY license.

© 2024 The Authors.

How to Cite This Article: Rahmani, V; Tajarlou, R & Parvin, KH (2024). "General Economic Order and Powers of the Prosecutor; Emphasizing the Institution of Administration, Realizing Transparency and Managing Conflicts of Interest". *Journal of Comparative Criminal Jurisprudence*, 4(1): 223-234.



انجمن علمی فقه‌پژای تطبیقی ایران

فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

www.jccj.ir



فصلنامه فقه‌پژای تطبیقی

دوره چهارم، شماره اول، بهار ۱۴۰۳

نظم عمومی اقتصادی و اختیارات دادستان؛ با تأکید بر نهاد اداره، تحقق شفافیت و مدیریت تعارض منافع

وحید رحمانی^۱، رضا طجریلو^{۲*}، خیرالله پروین^۳

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه تهران (پردیس البرز)، کرج، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسؤول)

۳. استاد، گروه حقوق عمومی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

چکیده

قوه قضاییه اصلی‌ترین جبهه تأمین نظم عمومی اقتصادی است و دادسرا با محوریت دادستان پلایه‌دار این جبهه می‌باشد. دادستان با استفاده از اختیارات، صلاحیت‌ها و امکانات قانونی خود می‌تواند در تضمین نظم عمومی اقتصادی در صیانت از این نوع نظم در سطح جامعه و کشور باشد. در این میان به دلیل جایگاه مهم اعمال اداری، گردش آزاد اطلاعات و تعارض منافع در مقوله جرایم و تخلفات اقتصادی، اختیارات دادستان خاصه اختیارات پیشگیرانه دادستان در حوزه‌های مذکور قابل ملاحظه و بنیادین می‌باشد. قانون‌گذار با علم به تعاقب خود در موضوعی چون فساد به مثابه امری پیوسته نوآیین و روزآمد، همواره وی را در نصوص قانونی‌اش مبسوط الید ساخته و اختیاراتی جامع در حوزه‌های کلان نظیر نظارت بر جامعه و یا اداره و یا در حوزه‌هایی همچون پیگیری تحقق شفافیت حکمرانی و مدیریت تعارض منافع اعطا کرده است، لذا تعلل سیستماتیک نهاد دادستانی در اعمال این نوع از اقتدار مشروع کاملاً مشهود است. بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است با استفاده شیوه تحلیلی - استنتاجی و بهره‌گیری از روش کتابخانه‌ای و از طریق ابزار فیش‌برداری توانمندی‌های قانونی نهاد دادستانی را باتوجه به اختیار قانونی دادستان به منظور استیفای نظم عمومی اقتصادی بررسی نموده و میزان شفافیت را حوزه گردش آزاد اطلاعات دنبال کرده و نقش دادستان در صیانت از این امر حیاتی و تعارض منافع را در مدیریت وی مورد واکاوی قرار می‌دهد تا میزان نظارت عمومی و پاسخگویی این مدیر قضایی و «چگونی» ایفای وظایف و اعمال صلاحیت‌ها مشخص شود. این پژوهش دارای کاربردهای عملیاتی و اجرایی در حوزه‌های مربوط می‌باشد.

اطلاعات مقاله

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۲۲۳-۲۳۴

اطلاعات نویسنده مسؤول

کد ارکید: ۰۳۴۳-۰۲۶۴-۰۰۰۳-۰۰۰۰-۰۰۰۰

تلفن: +۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰

ایمیل: rtajarlou@ut.ac.ir

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۷/۰۲

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۲/۰۹/۳۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۴

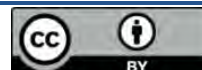
تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۱/۰۱

واژگان کلیدی:

اختیارات دادستان، نظم عمومی اقتصادی،

اعمال اداری، شفافیت، مدیریت تعارض

منافع، فساد.



مقدمه

نظم عمومی به عنوان یکی از اصطلاحات بنیادین در فقه و حقوق متضمن قواعد و اصولی می باشد که شالوه حفظ نظام اجتماعی و اداری را فراهم می کند تا اصول و قوانین مرتبط با اداره جامعه، امور اقتصادی، معیشتی منطبق با قانون شکل گیرند (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۷۸).

از طرفی، برهم زدن این نظم، فساد اداری، اقتصادی و سیاسی به خصوص در دستگاه قضا موجبات ناکارآمدی حکومت ها، عدم تحقق عدالت اجتماعی و اقتصادی و در نهایت تضعیف و سلب اعتماد عمومی مردم را فراهم می کند، به طوری که این موارد مهم طی سال های اخیر در ایران نمود خاصی پیدا نموده است، لذا تلاش شده است با وضع مقررات و قوانین مرتبط بر نظم عمومی جامعه علاوه بر تحقق شفافیت به دادرسی افزوده شود (منظور و عباسی کلاش، ۱۳۹۸: ۸۷).

در این اثنا، دادستان در نظام عدالت کیفری دارای نقشی اساسی می باشد که از مهم ترین ارکان آن استیفای حقوق عامه مردم، صیانت از قوام جامعه از رهگذر حاکمیت قانون، تضمین حقوق و منافع عمومی بنیادین و تحقق نظم عمومی و نظم اقتصادی است. از آنجا که بنابر اصل ۱۵۶ قانون اساسی، «حفظ و حمایت از حقوق فردی و اجتماعی» و نیز «احیای حقوق عامه و گسترش عدل و آزادی های مشروع» از اهم وظایف قوه قضاییه است، در همین راستا به نظر می رسد نهادی که به طور ویژه در بطن قوه قضاییه جهت تحقق اهداف مذکور به فعالیت می پردازد، نهاد دادسرا و در رأس آن دادستان است، لذا دادستان، مستظهر به قانون بر علیه هر عنصری که مخرب نظم عمومی اقتصادی است، اقامه دعوای عمومی می کند و در تمامی مراحل اجرای عدالت از شناسایی و تعقیب تا دادرسی و اجرای حکم، حضور اثرگذار دارد، اگرچه صیانت از «حقوق، منافع و نظم عمومی» قابل فهم است که به نظر تعیین حدود دلالت مفهومی و مصداقی این عبارت در شرایط فقدان تعاریف جامع و مانع متعذر است. باوجود این، ظرفیت های قانونی نهاد دادستانی برای اقدامات معطوف به نظم عمومی اقتصادی در کنار اختیارات وی در حوزه جامعه به طور عام و اعمال اداری آن مورد بحث می باشد (راسخ و بیات کمیتکی، ۱۳۹۰: ۹۹).

افزون بر موارد بالا، با پیش فرض تأثیر تعارض منافع در جرایم اقتصادی، پرسش از چیستی و چگونگی اختیارات دادستان در مدیریت تعارض منافع می شود. مسأله مهم تر، باوجود الزامات قانونی و مطرح شدن شفافیت و عدم تعارض منافع در قانون اساسی کشور ما، اما در حوزه های مختلف هر از چندگاه فسادهایی در سطوح مختلف شاهد هستیم که گاه مقابله با چنین فسادهایی چندان جدی گرفته نمی شود که حاکی از میزان شفافیت و پاسخگویی مدیران می باشد و در نتیجه بر میزان اعتماد عمومی تأثیر و افری خواهد گذاشت. بر این اساس، همچنان شاهد چالش های ارزشی، رویه ای و مهم تر ساختاری می باشیم که اجرای عادلانه و قانونمند نظارت بر دارایی ها و اموال مدیران و قضات را در بازه زمانی قبل و بعد از خدمت و به خصوص حین خدمت مسؤولان و مدیران را علی رغم وجود قانون مدون با اشکال مواجه نموده است (ساریخانی و اکرامی سراب، ۱۳۹۲: ۸۷)، به علاوه در جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم شناسایی صریح مفهوم تعارض منافع و نیز عدم اهمیت ارتباط آن با فساد، تاکنون قانون جامعی در این ارتباط به تصویب مجلس شورای اسلامی یا دیگر مراجع ذیصلاح نرسیده است. باوجود این، در قوانین و مقررات مختلف می توان نمونه های مناسبی از مبارزه، پیشگیری و مدیریت تعارض منافع را مشاهده کرد که البته در عین مناسب بودن، کافی نیستند و نیازمند تدقیق و برطرف کردن خلأهای موجود می باشد (همایونی، ۱۳۹۵: ۴۲۰).

از طرفی، در بسیاری از نظام های حقوقی دنیا برای مقابله با فساد مقامات و مدیران الزامات قانونی مرتبط با دارایی ها و چگونگی تحصیل این دارایی قبل و در حین مدیریت شان وضع شده است تا به سبب شفافیت و پاسخگویی شان مانع از فساد شوند و در نتیجه اعتماد عمومی مردم را نسبت به دولت افزایش دهند. طبق گزارش شفافیت سازمان شفافیت بین الملل تنها در سال ۲۰۱۷ کشور ما در بین ۱۸۰ کشور جهان در «شاخص ادراک از فساد (CPI)» رتبه ۱۳۰ و امتیاز آن ۳۰ از ۱۰۰ بوده است (پرهیزکاری و رزقی، ۱۳۹۶: ۱۲). این رتبه در سال ۲۰۲۲ به ۱۴۷ رسید (اندیشکده شفافیت برای ایران) که امتیاز و میزان نامناسب تری از شفافیت و بروز فساد را نشان می دهد، لذا وضعیت عمومی کشور در امر مبارزه با فساد به سبب شاخص

با قرارداد کار بر این اساس به جهت پشتیبانی از کارگران مرتبط با کارفرمایان و با در نظر گرفتن عنصر نظم عمومی اقتصادی تنظیم شده است.

به همین سبب، نظم عمومی اقتصادی دربرگیرنده و پیگیری کننده دو هدف اساسی می باشد: یکی حمایت از طبقات محروم و ضعیف جامعه و دیگری هدایت و رهبری امور اقتصادی اجتماع. به این اعتبار گفته می شود که نظم عمومی اقتصادی بر دو نوع است:

۱- نظم عمومی اقتصادی حمایت کننده؛ ۲- نظم عمومی اقتصادی هدایت کننده (صفایی، ۱۳۹۹: ۵۵).

نظم عمومی اقتصادی هدایت کننده برای سامان بخشیدن به اقتصاد کشور تدوین شده است که بر مبنای آن قوانین و مقررات خاصی به واسطه دولت با نظام اقتصاد هدایت شده یا ارشادی در کشور حادث می شود. بدین منظور، دولت ها تلاش می کنند چنین نظامی از اقتصاد را به واسطه قراردادی هدایت عناصر مهم توزیع ثروت را رهبری و سازماندهی نمایند. این شیوه اقتصاد ارشادی تنظیم قراردادها را بر پایه اصول عدالت و قانون محدود و متمرکز می سازد تا اشخاص و کارفرمایی قراردادی را برخلاف قانون و مقررات تنظیم اقتصادی منعقد نکنند (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۸: ۱۲).

به علاوه، این شکل از نظم دارای معنا و کاربرد واحدی نمی باشد و بر حسب شرایط متغیر می باشد. علی رغم این، بیان نظم عمومی سیاسی بر مبنای ثبات نسبی خاصی می باشد، چرا که به رغم مقررات و قاعده های خاصی موجبات حفظ و پایداری نظام اجتماعی و سیاسی دولت ها می شوند، اما بر حسب شرایط در حال تغییر و تحول می باشند، لذا شیوه های تجاوز به این قواعد همواره یکسان نخواهد بود. در عین حال، برخی امور به سبب ماهیت خود که در همه زمان ها و مکان ها ثابت می باشند مورد تجاوز و ظلم قرار می گیرند که مذموم و مطرود می باشند. حال که در نظم عمومی اقتصادی بر حسب شرایط و متغیرهایی نواسات و تغییر و تحول وجود دارد و نه ثبات نسبی، صرفاً اراده دولت ها می تواند در ایجاد قواعد حاکم بر قراردادها و رهبری آن ها چاره ساز باشد و نقش بنیادینی در برقراری نظم عمومی و

نظم عمومی اقتصادی مناسب نبوده و روند بدتر و نزولی داشته است. همچنان که پرهیزکاری و رزقی (۱۳۹۶) در مطالعه بررسی و تحلیل پدیده تعارض منافع، آن را ریشه اصلی و وقوع فساد اقتصادی بیان داشتند، مضافاً این مهم در مطالعه جمالی (۱۳۹۵) در مورد ارزیابی شفافیت وزارتخانه های ایران مورد ارزیابی قرار گرفته و نتیجه گرفت که جایگاه خاصی برای شفافیت در ایران وجود ندارد و این میزان در مورد وزارتخانه های حاکمیتی به مقدار ناچیزی می باشد. در عین حال، از مهم ترین راهکارهای تجربه شده موفق جهانی در مبارزه با فساد حاکمی از تقدم پیشگیری بر درمان و کنترل پیشینی فساد در جهان، مدیریت تعارض منافع می باشد که یکی از راهبردهای کلان آن افزایش شفافیت و نظارت عمومی می باشد.

بر این اساس، پژوهش حاضر بر آن است با استفاده شیوه تحلیلی - استنتاجی و بهره گیری از روش کتابخانه ای و از طریق ابزار فیش برداری توانمندی های قانونی نهاد دادستانی را با توجه به اختیار قانونی دادستان به منظور نظم عمومی اقتصادی بررسی نموده و میزان شفافیت را حوزه گردش آزاد اطلاعات دنبال کرده و نقش دادستان در صیانت از این امر حیاتی و تعارض منافع را در مدیریت وی مورد واکاوی قرار دهد تا میزان نظارت عمومی و پاسخگویی این مدیر قضایی مشخص شود.

۱- نظم عمومی اقتصادی

نظم عمومی اقتصادی شکل خاصی از نظم عمومی می باشد که دربرگیرنده فرامینی برای شیوه انجام کار در حوزه های مختلف می باشد که در آن اثرات سیاست های اقتصادی دولت را نیز می توان دریافت (کاتوزیان، ۱۳۹۶: ۵۶). این نظم درحقیقت پشتیبانی از افرادی مثل کارگران می باشد که از نظر اقتصاد و معیشت با مشکلاتی مواجه هستند. چنین نظامی بر این اصل استوار می باشد که قرارداد همیشه تضمینی بر ایجاد عدالت نمی باشد. زمانی که طرفین قرارداد از یک سطح و درجه نمی باشند، به خصوص از حیث اقتصادی و به مثابه دو سطحی از انحصارکننده و نیازمند می باشد، چنین قراردادی صرفاً به ظلم و سوءاستفاده منجر خواهد شد و نه عدالت، لذا به منظور ایجاد توازن و عدالت و جلوگیری از چنین ظلمی ناگزیر قانون و دولت برای دفاع از حق مداخله نماید. به عبارت دیگر، مقررات مرتبط

می‌شود که عملکردهای هر مقامی در دید عموم قرار گیرد و بستر نظارت عمومی مهیا گردد و این شیوه یکی از رویکردهای معنابخشیدن به مطالبات مردمی می‌باشد. بدین منوال، مشارکت عامه با نظارت، ارزیابی و مطالبه‌گری از هر مقامی فزونی یافته و بر میزان همدلی و قربات مردم با مقامات در هر سطحی افزایش می‌یابد و در نتیجه بر میزان سرمایه اجتماعی و اقتدار حکومت می‌افزاید. بر این اساس، از پیامدهای چنین شفافیتی مشخص‌شدن چگونگی تحصیل اموال مقامات، مدیران و قضات، وجود مدیران، قضات و ادارات سالم، مشارکت عمومی، شناسایی و اصلاح به موقع فساد و دستیابی سریع‌تر با اهداف و آرمان‌ها می‌باشد. همچنان‌که مضمون اصل ۱۴۲ قانون اساسی که دربرگیرنده رسیدگی به دارایی‌ها و اموال مدیران و قضات و خانواده آن‌ها است نیز چنین می‌باشد (همایونی، ۱۳۹۵: ۴۲۰). از حیثی دیگر، اعمال قانون شفافیت به‌عنوان ابزاری مهم درجهت مبارزه با فساد و بهترشدن عملکرد حکمرانی به‌واسطه نظارت مردم بر مدیران و پاسخگودانستن آن‌ها می‌باشد (باقری، ۱۳۹۱: ۹۳). این مهم می‌تواند به‌عنوان «حاکمیت قانون» در نظر گرفته شود که از مفاهیم بنیادین حقوق عمومی و از معیارهای حکمرانی مناسب می‌باشد تا مدیران و قضات عملکرد خود را براساس قواعد شناخته‌شده عمومی و قانون مدون الزام‌آور کشوری تنظیم نمایند (محسنی و فرج‌پور، ۱۳۹۲: ۹۱).

مضافاً در عوض آزادی اطلاعات شفافیت حاوی معنای وسیع تری می‌باشد، بدین معنا که دسترسی آزاد به اطلاعات یکی از مؤلفه‌های نهاد شفافیت تلقی می‌شود. حال آن‌که شفافیت متضمن اموری می‌باشد که باید به‌شکلی مدیریت شوند که آشکار و یا در معرض نظارت عامه قرار گیرند. به‌عبارت دیگر، شفافیت تضمین گردش آزاد اطلاعات و استیفای حقیقت یکی از بارزترین حقوق ملت، یعنی حق داشتن آگاهی می‌باشد. به طور کلی حتی می‌توان چنین اذعان داشت که شفافیت مقدمه «حق بر تعیین سرنوشت» نیز می‌باشد (ساریخانی و اکرمی، ۱۳۹۲: ۹۴-۹۳).

به‌علاوه، شفافیت به‌عنوان یک مسیر نظارتی تلقی می‌شود، عموم مردم می‌توانند به‌عنوان ناظر و نظاره‌گر ایفای نقش کنند

اهداف اقتصادی از پیش تعریف شده ایفا نمایند. بدین سبب به واسطه شرایط و زمان قانون‌گذاری در این حوزه ثابت نمی‌باشد و این نظم عمومی اقتصادی به‌عنوان شکلی پویا از نظم عمومی می‌باشد که فرامین کلی را برای اشخاص تبیین می‌کند. برای نمونه، با نظری به روابط موجر و مستأجر و قوانین کار می‌توان چنین نظم عمومی را به‌سبب عملکرد و در مواردی تأثیر سیاست‌های اقتصادی دولت دریافت (کاتوزیان، ۱۳۹۵: ۱۷۰).

درحقیقت، این تأثیر و عملکرد نظم عمومی بر حقوق داخل کشور می‌باشد که موجب بطلان معاملات خصوصی غیرمتناسب با آن و مقررات می‌شود که در آرای قضایی دستگاه‌های حقوقی دنیا وجود دارد، بدون آن‌که نیاز به توضیح و تفسیر خاصی داشته باشد. با این حال، به‌سبب مؤلفه‌های متضمن در نظم عمومی اقتصادی، اثر عام آن می‌تواند دربرگیرنده آثار دیگری هم برای طرفین قرارداد باشد، می‌توان توافق دوطرف و تأثیر اراده آن‌ها به‌واسطه نظم عمومی و بطلان قرارداد در نظم عمومی سیاسی با نظم عمومی اقتصادی را نام برد، بدین صورت که در نظم عمومی سیاسی، هر شکلی از پذیرش طرفین که مغایر با نظم عمومی باشد، باطل تلقی می‌شود، حال آن‌که در نظم عمومی اقتصادی حمایتی چنین فرضی متصور نمی‌باشد، مضافاً نظم عمومی ممکن است دربرگیرنده اصول و معیارهایی باشد که مغایر با نظم عمومی ارشادی تنظیم شوند که افزون بر بطلان به‌شکل تضمین اجرای مدنی، متحمل است که حاوی تضمین اجرای کیفری هم در نظر گرفته شوند (صفایی، ۱۳۹۹: ۵۷). در این صورت، نظم عمومی اقتصادی، همان نظم است که در نهایت از حیث اقتصادی، حقوق عامه را استیفا کرده و از آن صیانت می‌کند. آنگاه که از وظایف دادستان در تأمین و تضمین نظم عمومی و یا حقوق عامه سخن گفته است. درواقع امر نظم عمومی اقتصادی را نیز اراده کرده است (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۶۱).

۲- دادستان و مسأله شفافیت

۱-۲- چستی و چرایی شفافیت

واژه شفافیت دربرگیرنده اطلاعات، داده‌ها و شیوه‌ها و به آسانی قابل حصول بودن این اطلاعات برای عموم به‌منظور بررسی و نظارت بر آن‌ها می‌باشد (Oliver, 2004: 3). شفافیت موجب

و یا بخشنامه‌ای را یافت که مقام اداری را مکلف به شفافیت کرده باشد. فارغ از این مباحث اگر تخلفی در حوزه شفافیت صورت گیرد، در این حالت نیز نقش و مأموریت دادستان مشخص است؛

۳- در دو حالت پیشین دادستان متوقف بر عواملی بود که او را تا حدود زیادی منفعل می‌ساخت، اما می‌توان برای دادستان مأموریت دیگری نیز متصور شد که به نقش‌آفرینی او در حوزه شفافیت امکان ببخشد. این البته این امر مستلزم تغییر رویکرد است. توضیح این‌که باید به مقوله شفافیت چنان امری پیشگیرانه نگریست. بنابراین دخالت دادستان در مقابله با موارد ناقض شفافیت داخل در وظایف پیشینی این نهاد است (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۶۱).

باتوجه به بند پنجم اصل ۱۵۶ قانون اساسی، یکی از اقدامات بسیارمهم قوه قضاییه عملکرد شایسته به‌منظور جلوگیری از وقوع جرم و اصلاح مجرمین بوده و در این اثنا، عملکرد ویژه دادستان امری انکارناپذیر می‌باشد، باوجود این‌که حیطه وظایف دادستان عموماً از نوع واکنشی می‌باشد و میدان عمل وی بعد از فعلیت رفتار مجرمانه شروع می‌شود، لکن بدین‌معنا نیست که در ساخت پیشگیری، نقش‌آفرینی چندانی ندارد و حتی می‌توان گفت که اقدامات پسینی این مقام، قابلیت آن را دارد که با تصمیم‌گیری پیشگیرانه هموار شود. در چرایی حق ورود دادستان در اتخاذ اقدامات پیشگیرانه می‌توان اذعان داشت که یکی از وظایف این مقام به استناد بند «الف» ماده ۳ ق.ا.د.ع.ا. مصوب ۱۳۸۱، قانون پیشگیری از وقوع جرم مصوب ۱۳۹۰/۰۶/۰۷ مجلس شورای اسلامی و مصوبه ۱۳۹۴/۰۶/۲۱ مجمع تشخیص مصلحت نظام در ارتباط با حفظ حقوق عمومی است (همایونی، ۱۳۹۵: ۴۲۰).

توجه به انواع وظایف و اختیاراتی که برای دادستان به‌صورت مستقیم و یا غیرمستقیم در قوانین و مقررات مربوط به نظام حقوقی ایران پیش‌بینی شده، حاکی از آن است که این مقام، در امر پیشگیری بسیاری از تخلفات و جرایم، ظرفیت نقش آفرینی‌والایی دارد. درواقع، آن‌چه که در ایفای چنین مسئولیتی درخور توجه است، هنر مدیریت در نقش‌آفرینی منصب «دادستانی» است (طحان نظیف و طهماسبی، ۱۳۹۳: ۱۱۰).

که به‌موجب این حس دیده‌شدن و نظارت بیرونی، مسؤولان می‌دانند که تحت نظارت هستند و رفتارشان را برای اعمال سو تعبیر می‌دهند و این مهم موجب کاهش انحرافات و فساد در عرصه حکمرانی می‌شود. چنین ایده نظارتی حاوی فواید زیادی برای صاحبان مناصب و مدیران می‌باشد که برخی از آن‌ها دربرگیرنده مشارکت مردم در عرصه حکمرانی، خودکنترلی، افزایش کارآیی، کاهش فساد می‌باشد.

به‌همین شکل چنین نظارتی حاصل از شفافیت می‌تواند از فساد اداری نیز بکاهد، چراکه این نوع نظارت از مؤثرترین شیوه‌های مبارزه با فساد سازمان‌یافته اداری در نظر گرفته می‌شود و درنتیجه شفافیت قوانین و مقررات سلامت اداری با مشخص بودن روند انجام کار و فعالیت امور اداری و مالی بهبود می‌یابد، بدین‌سبب شفافیت را باید یکی از بنیادی‌ترین عناصر تضمین و تأمین نظم عمومی اقتصادی در نظر گرفت، لذا هر عملی که به عدم شفافیت منتهی شود، درحقیقت به شیوه‌ای غیرمستقیم اختلال در نظم عمومی اقتصادی را موجب می‌گردد (صالحی و همکاران، ۱۳۹۳: ۳).

۲-۲- نقش دادستان در تحقق شفافیت

نقش دادستان در حوزه شفافیت را می‌توان بر سه قسم تقسیم نمود:

۱- گاهی شفافیت آنچنان نقض می‌شود که درواقع جرمی محقق شده است، البته در این فرض باید مؤلفه‌های قانونی، مادی و معنوی جرم محرز شده باشد تا جرمی محقق گردد. در این حالت دادستان با جرم نقض شفافیت آنچنان‌که با سایر جرایم برخورد می‌کند، برخورد خواهد کرد. این موضوع به‌دلیل وضوح کافی چندان ارزش مذاقه ندارد، هرچند ذکر این نکته شایان است که در نظام حقوقی ایران جرم‌انگاری شایسته‌ای در حوزه شفافیت صورت نگرفته است؛

۲- گاهی نقض شفافیت به‌شکل یک تخلف اداری نمود می‌یابد. در این خصوص نیز باید خاطرنشان ساخت که احراز تخلف درنهایت نیاز به هنجار دارد، حال آن‌که در نظام حقوقی ایران چندان هنجاری وجود ندارد که ناظر بر امر شفافیت باشد، مثلاً در مجموعه نهادهای عمومی کشور به‌سختی می‌توان آیین‌نامه

سازمانی شده و فساد حاصل این سوءاستفاده می‌باشد. بنابراین این نوع تعارض متضمن شرایطی می‌باشد که در آن بعضی افراد (حقیقی یا حقوقی) در مورد مسأله خاصی می‌توانند تصمیماتی اتخاذ نمایند که چنین تصمیماتی محتمل است بر این که تصمیم‌گیرنده به جای اتخاذ تصمیم درجهت مشروع به سود خود یا افراد مشخصی تصمیم‌گیری می‌نماید. درواقع این افراد خاص، هدف قانون نبوده یا تنها بخشی از افرادی‌اند که قانون‌گذار در پی ارائه خدمات عمومی به آن‌ها بوده است. درحقیقت، مقام عمومی با هدفی خاص که غیر از هدف قانون‌گذار بوده است، به این افراد خاص نفعی رسانده است (Davis, 2001: 82).

۳-۲- مدیریت تعارض منافع و جایگاه آن در پیشگیری از اختلال نظم عمومی اقتصادی

عملکردهای مدیر یا کارمندی که به سبب مدیریت این نوع تعارض انجام می‌شود، سبب بهبود و توسعه کارآمدی در محیط عمومی و سازمانی گشته و در عین حال خطری برای فساد و دورزدن قانون تلقی می‌گردد. در عمده موارد بین فساد و تعارض منافع رابطه و همبستگی ویژه ایی متصور می‌باشد. بدین جهت، برای مبارزه با فساد باید به شناسایی و تبیین تعارض منافع پرداخت. به دلیل این که سیاست‌های مبارزه با چنین تعارضی ابزار اساسی برای بهبود دموکراسی و پیشبرد انسجام اداری در نظر گرفته می‌شود (Sigma, 2006: 6).

بر این اساس، یکی از شیوه‌های مبارزه با فساد اداری توجه وافر به پیشگیری از طریق اصلاح قوانین برای مدیریت تعارض منافع می‌باشد (عبدالحسین زاده و ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۵۰). چنین تجربه موفق براساس قانون شفافیت در زندگی عمومی در کشور فرانسه رخ داده است که توسط مرجع عالی که یک مرجع مستقل اداری می‌باشد، وضعیت تعارض منافع کارمندان و مقامات را در سطوح مختلف بررسی می‌کند، لذا برای مدیریت این تعارض سه راهبرد محدودیت/ ممنوعیت، اصلاح مقررات کار و شفافیت و نظارت عمومی ارائه شده است، گزارش کند، لذا برای مدیریت این تعارض سه راهبرد محدودیت/ ممنوعیت، اصلاح مقررات کار و شفافیت و نظارت عمومی ارائه شده است

چنین مواردی بیشتر ناظر بر تأثیر شفافیت در پیشگیری از فساد و جرایم بود، اما لازم به ذکر است که تأثیر شفافیت تنها به این امر محدود نبوده و مقوله شفافیت تأثیری چشم‌گیری در ارتقای کارآمدی حکمرانی نیز دارد. شفافیت با به عرصه آوردن اعمال و اقدامات مقامات عمومی، شرایط را برای نقد و ارزیابی هرچه بیشتر فراهم می‌کند. بنابراین دادستان با صیانت از شفافیت نه تنها از فرضیه امر به معروف و نهی از منکر به عنوان یک فرضیه اساسی دینی صیانت می‌کند - امری که در قانون اساسی نیز مورد تصریح واقع شده است - بلکه از یک امر بدیهی دیگری نیز صیانت می‌کند و آن آینده مطلوب بالقوه‌ای است که از رهگذر امر به معروف و نهی از منکر به ارمغان می‌آید. به عبارت دیگر بزرگ‌ترین مصداق حقوق عامه، اصلاح و بهبود حکمرانی است و اگر همگان بر این نکته اتفاق نظر دارند که شفافیت جزء مهم‌ترین مؤلفه در این امر است، پس مداخله دادستان نیز کاملاً مشروع و واجب است (فیروزجایی، ۱۳۸۷: ۱۴۰).

۳-۳- دادستان و مدیریت تعارض منافع

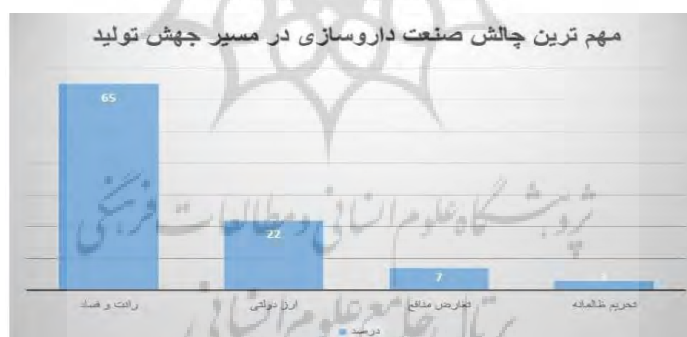
۳-۱- چستی و چرایی تعارض منافع

تعارض منافع که در سال ۱۹۹۳ تبیین شد، زمانی شکل می‌گیرد که مغایرتی بین منافع شخصی با وظیفه اداری و سمت حرفه‌ای سازمانی وی وجود داشته باشد، لذا چنین تعارض و مغایرتی مانع تصمیم‌گیری به هنگام و قاطع، قضاوت درست و بی‌طرفی یک مدیر یا مقامی می‌شود و یا این که تصمیم بایسته ایی را به سبب تعارض منافع شخصی و سمت حرفه‌ای خود ناقص به انجام می‌رساند. به عبارت دیگر، آنگاه چنین تعارضی صورت می‌گیرد که امور شخصی افراد و وظایف عمومی و رسمی آنان با یکدیگر در تعارض بوده و نتیجه منطقی این تلاقی رخ دادن تعارض باشد که در این هنگام باید فرد اقدام به حفظ منافع عمومی یا تراضی بین منافع کند. فردی که در موقعیت تعارض منافع قرار گرفته است، دچار جرم یا تخلفی نشده است، بلکه مهم چگونگی مدیریت تعارض منافع است که می‌تواند به جرم ختم شود یا با مدیریت صحیح در پی زدودن آن باشد (صفایی، ۱۳۹۹: ۵۵).

از طرفی، مفهوم تعارض منافع و فساد بسیار به هم مرتبط می‌باشند. بدین معنا که تعارض منافع موجب سوءاستفاده از سمت

تصمیمی را اتخاذ می‌کند، متحمل می‌باشد که سود شخصی وی هم در شرف آن عملکرد فراهم شود که این اصلاً فساد در نظر گرفته نمی‌شود و شخص دیگری که رشوه گرفته است، ممکن است شامل تعارض منافع شود که عمدتاً چنین شکار می‌باشد، اما نه همیشه، لذا ممکن است تعارض منافع منجر به فساد شود (عبدالحسین زاده و ثنایی، ۱۳۹۴: ۱۵۱).

یکی از علل انعقاد غالب جرایم اقتصادی که در سال‌های اخیر کشف شده‌اند، مقوله تعارض منافع بوده است. براساس تحقیقی که در مرکز استراتژیک رییس جمهوری صورت گرفته است، تعارض منافع یکی از مهم‌ترین دلایل مفاصد اقتصادی در حوزه دارویی کشور است، زیرا در حوزه نظام دارویی کشور کسانی که باید بر تخلفات فعالان این حوزه نظارت نمایند خود جزء بازیگران و فعالان این حوزه محسوب می‌شوند، امری که از آن در ادبیات حوزه تعارض منافع تحت عنوان «اتحاد ناظر و منظور» یاد می‌شود. نمودار زیر مهم‌ترین چالش صنعت داروسازی را در مسیر تعارض منافع و فساد نشان می‌دهد (اشتریان و همکاران، ۱۳۹۹: ۳۳).



نمودار ۱- مهم‌ترین چالش صنعت داروسازی را در مسیر تعارض منافع و فساد طی سال‌های اخیر

غیرانتفاعی و مردم‌نهاد و شرکت‌ها، وابستگی نداشتن به اتحادیه‌های تجاری یا سازمان‌های شغلی، عدم پذیرش نمایندگی و کار برای دیگرکشورها، ارتباط مناسب و بدون غرض داشتن با انجمن‌ها یا مشاغل نژادی، قومی یا اعتقادی، انتصابات نظام‌مند و قانونمند، محرمانه نگه داشتن اطلاعات عمومی و اعلام کردن درآمد و دارایی شخصی و درآمد خانواده

(گزارش توجیهی لایحه شفافیت، مرکز استراتژیک ریاست جمهوری، ۱۳۹۷).

در این راستا، کارکنان عمومی و مقامات باید قبل از انتخاب یا انتصاب خود، منافع خود را به اداره ذی‌صلاح اعلام نمایند (Salminen, 2009: 86). این اعلام، به دلیل قدرت تصمیم‌گیری، وظایف مدیریتی و فساد بالقوه در میان مدیران و مقامات عمومی است که سازوکار متفاوتی برای اعمال اموال و دارایی‌های آنان در نظر گرفته می‌شود (Rexha, 2014: 10).

در عین حال، بین فساد و تعارض منافع فرقی‌هایی نیز وجود دارد، بدین معنا که فساد بهره‌مندی از موقعیت و سمت عمومی به جهت منافع شخصی می‌باشد، در عوض تعارض منافع با انجام وظایف قانونی مقام عمومی مرتبط می‌باشد. زمانی که مقام عمومی دربرگیرنده منافع شخصی باشد یا زمان انجام وظیفه عمومی تعارض منافع ایجاد شود. به عبارت دیگر، فساد اغلب متضمن موارد تعارض منافع نیز می‌باشد، اما تمام موارد تعارض منافع از موارد فساد نمی‌باشند. برای نمونه، مقام عمومی که صرف براساس قانون و مقررات به صورت منصفانه

اساسی‌ترین شیوه‌های پیشگیری از تعارض منافع عبارت‌اند از:

عدم دریافت هدیه، نداشتن شغل دومی که با وظایف عمومی مقامات رسمی در تعارض باشد، استخدام نکردن بستگان، ضمانت در رأی منصفانه، قاعده‌مند نمودن فعالیت‌های سیاسی، قاعده‌مند نمودن عضویت در هیأت‌مدیره‌ها، سازمان‌های

طبیعاً مشکلی برای ایفای وظایف قانونی دادستان ایجاد نمی‌کند، اما به‌نظر در سایر مواردی که منطقاً ارتباط وثیقی با تعارض منافع داشته، ولی تاکنون مورد توجه مقنن نبوده نیز می‌تواند وارد عمل شده و از باب صیانت از نظم ایفای نقش کند (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۶۱).

همچنین حکم «مشخص نمودن جرم، تعقیب متهم، اقامه دعوا، رعایت و پاسداشت حقوق عامه، اجرای آن و رسیدگی به امور حسیه» مندرج در قانون اصلاح قانون تشکیل دادگاه‌های عمومی و انقلاب (قانون احیای دادرسی) مصوب ۱۳۸۱ و نیز پیگیری و نظارت بر جرایم مرتبط با اموال، منافع و مصالح ملی و خسارت پدیدآمده به چنین حقوقی مصرح در ق.آ.د.ک مصوب ۱۳۹۲، به‌همراه مندرجات قانون احترام به آزادی‌های مشروع و حفظ حقوق شهروندی مصوب ۱۳۸۳، دستورالعمل نحوه نظارت و پیشگیری حقوق عامه ابلاغی فروردین ۱۳۹۵ باعث ایجاد گستره وسیعی از صلاحیت‌ها برای نهاد دادستان ملزم می‌دارد. علاوه بر این، یکی از اساسی‌ترین نمودها و شکل‌های برهم‌زدن نظم عمومی اقتصادی و ارتکاب جرم اقتصادی می‌باشد و دادستان به‌عنوان مقام حاضر در تمامی مراحل مقابله با جرم، نقش غیرقابل انکاری در این زمینه ایفا می‌نماید. بر این اساس، صلاحیت‌های دادستان در حیطه حقوق کیفری طی مراحل شش‌گانه‌ای قابل شناسایی و تحلیل است (همایونی، ۱۳۹۵: ۴۲۰).

بر این اساس، اختیارات دادستان نظیر دیگر اختیارات این نهاد یا به‌شکلی احصا شده و در قوانین مختلف مورد تصریح قرار گرفته و یا ذیل عبارتی نظیر صیانت از «حقوق، منافع و نظم عمومی» قابل فهم است که به‌نظر تعیین حدود دلالت مفهومی و مصداقی این عبارت در شرایط فقدان تعاریف جامع و مانع متعذر است. بنابراین هر حوزه‌ای که در آن نظم، منفعت و یا حقوق عمومی موضوعیت دارد، دادستان نیز اختیاراتی از سنخ نظارت و مداخله را داراست (صفایی، ۱۳۹۹: ۵۶).

دادستان جهت تأمین نظم عمومی اقتصادی می‌تواند اختیارات و یا به عبارتی دقیق‌تر اقتدار مشروع خود را در دو سطح اعمال کند.

و اعلام منافع شخصی در ارتباط با قراردادهای مشخص نمودن منافع شخصی در ارتباط با تصمیم‌سازی، کنترل داد و ستدها و مشاغل یا فعالیت‌های مردم‌نهاد بعد از اشتغال.

میرهن است که به‌جهت تأمین و ضمانت نظم عمومی اقتصادی هریک از اصول و معیارهای فوق از سوی دادستان مورد توجه خاص قرار گرفته تا بتواند با این ملاک‌ها جامعه و اعمال موردی و نوعی مسؤولان را رصد و ارزیابی نماید (راسخ و بیات کمیتی، ۱۳۹۰: ۹۸).

۳-۳- اختیارات دادستان در مدیریت تعارض منافع

عموماً در سراسر دنیا، دولت‌ها سیاست‌هایی را تحت کدهای رفتار حرفه‌ای به‌عنوان مکانیسم تضمین رفتار حرفه‌ای در چهارچوب مقررات عرفی برای تعارض منافع در قوای مجریه، مقننه و قضاییه تدوین می‌کنند که این سیاست‌ها بر کلیت نظام سیاسی حاکم است ولی برای قوای مختلف ممکن است متفاوت باشد (Henkol, 2007: 27).

در کشور ما «قانون رسیدگی به دارایی مقامات، مسؤولان و مدیران کشور» مصوب ۱۳۹۴ عمدتاً مسؤولان سطوح بالایی و میانی کشور را ملزم به اعلام اموال و دارایی‌های خود نموده است. بدین‌سبب دادستان می‌تواند به جهت اجرا و حاکمیت قانون اجرای چنین قانون را مطالبه نماید (وکیلان و درخشان، ۱۳۹۶: ۲۳۶). همچنین یکی از شیوه‌های اساسی برای جلوگیری از تعارض منافع بهره‌گیری از ظرفیت افشاکنندگان و گزارش‌دهندگان چنین تعارضی می‌باشد، لذا رسانه‌ها، مطبوعات، خبرنگاران، روزنامه‌نگاران، تشکلهای مردم‌نهاد و شهروندان می‌توانند دارای نقش اساسی می‌باشند. بنابراین حمایت از چنین افرادی سبب افزایش هزینه عدم مدیریت تعارض منافع و نهایت کاهش فساد و چنین تعارضی می‌گردد (دادخدایی، ۱۳۹۲: ۲۳۶). با این حال، یکی از چالش‌های رویکرد افشاگرانه در ایران امنیت افشاگران است. دادستان می‌تواند با گسترانیدن چتر حمایتی خود بر روی افشاگران آنان را از فعلیت هرگونه تهدیدی مصون دارد. خواه این تهدید مربوط به موقعیت شغلی افشاگران باشد و خواه مربوط به تمامیت مالی و جانی ایشان، البته درخصوص موضوعاتی که به‌نحوی ارتباطی با تعارض منافع داشته و در کسوت هنجار درآمده‌اند،

بنابراین دادستان با آگاهی کامل از میزان قدرت خود می‌تواند معطل هنجارها و یا استجازه‌ها و استیذان‌های موردی نشده و باتوجه به وضعیت حساس نظام اقتصادی کشور وارد عمل شده و معادلات را به نفع عموم مردم تغییر دهد. خاصه در حوزه‌هایی که جنبه پیشگیرانه داشته و باتوجه به واقعیت‌های نظام قانون‌گذاری کشور آمیدی چندانی به ظهور هنجارهای فراگیر و اثرگذار مربوط آن نمی‌رود و تعلل نظام قانون‌گذاری در حوزه‌های شفافیت و تعارض منافع خود گواهی بر این مدعاست. همچنین وی می‌تواند با بهره‌گیری از کلیه اقدامات قانونی، نظارتی و قضایی و امکان شفافیت و پاسخگویی برای پیشگیری و کاهش زمینه‌های تعارض منافع و مقابله با فساد در استیفای حقوق عامه مردم و نظم عمومی اقتصادی اقدامات مؤثر و قابل توجهی داشته می‌باشد.

ملاحظات اخلاقی: در این پژوهش تمامی ملاحظات اخلاقی رعایت گردیده است.

تعارض منافع: نگارش این مقاله، فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

سهم نویسندگان: به‌صورت برابر بوده است.

تشکر و قدردانی: لازم است از تمام کسانی که در تدوین این مقاله ما را یاری رسانده‌اند، قدردانی نماییم.

تأمین اعتبار پژوهش: این پژوهش بدون تأمین مالی انجام گرفته است.

منابع و مأخذ

الف. منابع فارسی

- باقری، فاطمه (۱۳۹۱). نظارت بر اموال و دارایی مقامات و مسؤولین دولتی. مجله علمی-ترویجی کارگاه، ۲۰(۳): ۵۱-۷۲.

- پرهیزکاری، سیدعباس و رزقی، ابوالفضل (۱۳۹۶). «تعارض منافع؛ دسته بندی و مفهوم شناسی». گزارش مرکز پژوهش مجلس شورای اسلامی، ۴(۱): ۱۲۵-۱۴۹.

نخست سطح کلان که نظارت و مداخله‌ای عام در تمامی شئون جامعه و اداره است و دیگر مداخله از رهگذر دو شاهره، شفافیت و تعارض منافع. در هر دو سطح، میزانی از نظم عمومی اقتصادی موضوعیت دارد و امکانات قانونی ویژه‌ای نیز در اختیار دادستان است، به‌نحوی که حتی قویاً ظن تخطی از «اصل قانونی‌بودن» نیز می‌رود، اما فارغ از این ملاحظه می‌توان با مشخص ساختن سویه‌های نظم عمومی در حوزه‌های مختلف و با تذکر وظایف قانونی دادستان او را به استیفای نظم یادشده رهنمون شد، البته با برجسته‌کردن ملاک «نظم عمومی» راه‌های اقدامات سلیقه‌ای انسداد یافته و تا حدود زیادی ملاحظه «اصل قانونی‌بودن» مرتفع می‌شود (راسخ و بیات کمپتکی، ۱۳۹۰: ۹۹).

نتیجه‌گیری

اصل در حقوق عمومی بر «عدم صلاحیت» است، اما دادستان در نظام حقوقی ایران آنچنان مبسوط‌الید است که به‌نظر یکی از موارد استثنای این اصل به‌شمار می‌رود. وضعیتی که در آن حتی قویاً ظن تخطی از اصل «قانونی‌بودن» نیز می‌رود. با این حال و فارغ از تهدیدات این سطح از اختیارات به‌نظر فرصت‌هایی نیز در این امر وجود دارد. یکی از وجوه این فرصت، امکان ظهور و فعالیت دادستان در حوزه تأمین نظم عمومی اقتصادی است.

جرایم اقتصادی از اصلی‌ترین علل اخلال در نظم عمومی اقتصادی محسوب می‌شوند و امکان مداخله دادستان به‌عنوان مدعی‌العموم در برخورد با چنین جرایمی بر کسی پوشیده نیست، اما آن‌چه در نظام حقوقی ایران همواره مغفول واقع شده است، اعمال صلاحیت و اختیارات دادستان در حوزه‌هایی است که به‌نحوی زمینه ایجاد انواعی از جرایم اقتصادی‌اند، مواردی نظیر فقدان شفافیت و یا عدم مدیریت تعارض منافع، لذا برای دادستان این امکان وجود دارد که از رهگذر عباراتی نظیر «منافع ملی»، «مصلح عمومی»، «نظم عمومی» و دیگر عباراتی که از جمله موارد پرتکرار در نصوص مربوط به اختیارات دادستان است، نقشی اثرگذار در حوزه نظم عمومی اقتصادی ایفا کند.

- حاجزاده، هادی (۱۳۹۳). گزارش پژوهشی با عنوان مفاهیم حقوق عمومی؛ منفعت عمومی. تهران: پژوهشکده شورای نگهبان.
- دادخدایی، لیلا (۱۳۹۲). «بررسی مفهوم فساد و رویکرد پیش گیرانه قانون گذار ایران در قانون ارتقاء سلامت اداری و مقابله با فساد». فصلنامه تعالی حقوق، ۴(۳): ۴۱-۶۳.
- دادیار، هادی (۱۳۹۰). «نقش دادستان در حفظ حقوق عامه و چالش‌های اجرایی آن». رساله دکتری حقوق جزا و جرم شناسی، تهران: دانشکده حقوق پردیس فارابی.
- دلشاد تهرانی، مصطفی (۱۳۸۸). دلالت دولت؛ آیین‌نامه حکومت و مدیریت در عهدنامه مالک اشتر. تهران: انتشارات دریا.
- راسخ، محمد و بیات کیمتکی، مهناز (۱۳۹۰). «مفهوم مصلحت عمومی». مجله تحقیقات حقوقی، ۵۶: ۸۹-۱۰۲.
- روشندل، جلیل (۱۳۷۴). امنیت ملی و نظام بین‌المللی. تهران: انتشارات سمت.
- ساریخانی، عادل و اکرمی سراب، روح‌الله (۱۳۹۲). «کارکردهای پیشگیرانه شفافیت در سیاست جنایی». مجله حقوقی دادگسترس، ۸۲: ۴۲-۶۱.
- شریفزاده، فتاح و ادبی فیروزجایی، علی (۱۳۸۷). «اثر بازرسی در استقرار و تقویت فرهنگ پاسخگویی». فصلنامه ترویجی مدیریت، ۵۸: ۱۲۸-۱۴۲.
- شفافیت برای ایران (۱۳۹۸). اعلام عمومی حقوق و مزایای مدیران گام مهمی در راستای افزایش اعتماد عمومی به نظام. تهران.
- صالحی راد، محمد (۱۳۷۹). «دلالت الحال در تحصیل ناروای اموال». مجله حقوقی دادگستری، ۲(۶): ۶۷-۸۱.
- صالحی، محمد و دیگران (۱۳۹۶). «نقش شفافیت در مبارزه با فساد اداری با تکیه بر قانون ارتقای سلامت اداری و مقابله با فساد». مجموعه مقالات کنفرانس ملی پژوهش‌های نوین در مدیریت، اقتصاد و علوم انسانی.
- صفایی، سیدحسین (۱۳۹۹). «دوره مقدماتی حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها». جلد دوم، تهران: نشر میزان.
- طحان نظیف، هادی و طهماسبی، محمدحسن (۱۳۹۷). «نقش دادستان در صیانت از حقوق و آزادی‌های عمومی در حقوق کیفری ایران». فصلنامه قضاوت، ۹۳: ۸۵-۹۹.
- عبدالحسین‌زاده، محمدحسین و ثنائی، مهدی (۱۳۹۴). «تبیین مفهوم و کاربرد شفافیت در عرصه حکمرانی و اداره امور دولتی». نخستین کنفرانس ملی مدیریت دولتی ایران.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۵). حقوق مدنی: دوره عقود معین(۱)، (معاملات معوض، عقود تملیکی). چاپ هفتم، تهران: شرکت سهامی انتشار و با همکاری بهمن برنا.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۶). حقوق مدنی: قواعد عمومی قراردادها. جلد اول، چاپ چهارم، تهران: شرکت سهامی انتشار با همکاری بهمن برنا.
- محسنی، فرید و فرج پور، علی اصغر (۱۳۹۲). اصل حاکمیت قضایی در نظام قضایی ایران. فصلنامه علمی-پژوهشی حکومت اسلامی، ۸(۳): ۹۱-۱۰۴.
- مرکز بررسی استراتژیک ریاست جمهوری (۱۳۹۷). گزارش توجیهی پیش نویس لایحه شفافیت. تهران: بی‌نا.
- وکیلان، حسن و داور درخشان (۱۳۹۶). «بررسی کارایی افشای اموال در کاهش اداری با رویکرد تطبیقی». دو فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی، ۷۷: ۵۶-۸۳.
- همایونی، غلامحسین (۱۳۹۵). اظهار داری مقامات دولتی / انباری برای پیشگیری از فساد. تهران: مرکز مطالعات و پژوهش‌های سلامت اداری و مبارزه با فساد.

ب. منابع انگلیسی

- Davis, M. (2001). *Conflict of Interest in the Professions*. New York: Oxford University Press.
- Henkol, T (2007). "Managing Conflicts of Interests – Ethics Rules and Standards in the Member States and the European Institutions". *Journal of Law*, 60(23): 513-515.

- Oliver, R (2004). *What Is Transparency*. United States: McGraw-Hill Companies.
- Rexha, A (2014). "Is the Asset Declarations System in Kosovo Helping the Fight against Corruption and Preventing the Abuse of Power". *Journal of Law*, 6(3): 38-51.
- Salminen, A (2009). "The Control of Corruption in Finland". *Journal Administrative Management Public*, 86(3): 76-92.
- Sigma, N (2006). "Conflict-of-interest Policies and Practices in Nine EU Member States: A Comparative review". *Journal of Criminal Law*, 19(2): 65-81.

